

سبع کالی

استادانه

همانند یک استاد یاد بگیرید!

خلاصه کتاب تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی

دکتر محمد مصطفی اسعدی



فهرست مطالب

۱	فصل اول: مباحث پایه
۲	تاریخ:
۳	فرهنگ:
۴	تمدن:
۵	عناصر پیدایش تمدن:
۶	عوامل مانایی و اعتلای تمدن:
۷	اضلاع تمدن:
۷	تجدد:
۸	فرآیند پیدایش تمدن اسلامی:
۸	ارکان محوری تمدن اسلامی:
۹	ادوار تمدن اسلامی:
۱۰	فصل دوم: شکوفایی تمدن اسلامی
۱۰	ویژگی‌های تمدن ساز فرهنگ اسلامی:
۱۰	۱_ معنویت گرایی:

۱۰	۲ - وحدت گرایی:
۱۱	۳ - خردگرایی:
۱۱	۴ - علم گرایی:
۱۱	۵ - عمل گرایی:
۱۲	۶ - جمع گرایی:
۱۲	۷ - نیازگرایی:
۱۲	۸ - نظم گرایی:
۱۲	۹ - پیشرفت گرایی:
۱۳	۱۰ - آینده گرایی:
۱۳	نقش تمدن‌های معاصر در تمدن اسلامی:
۱۳	شکوفایی علمی در تمدن اسلامی:
۱۷	فصل سوم: نهادهای مدنی در تمدن اسلامی
۱۷	الف) نهادهای حکومتی:
۱۸	ب) نهادهای اداری:
۱۸	ج) نهادهای دینی:
۲۰	د) نهادهای علمی-آموزشی:
۲۱	۵) نهادهای خدماتی:
۲۲	فصل چهارم: گونه‌شناسی هنر و معماری در تمدن اسلامی
۲۲	تعريف هنر:
۲۲	نشانه‌های هنری در فرهنگ اسلامی:
۲۲	هنر اسلامی:
۲۲	ویژگی‌های هنر اسلامی:
۲۲	هنر در تاریخ تمدن اسلامی:
۲۳	تنوع هنر در تمدن اسلامی:
۲۳	۱_ معماری:
۲۴	۲_ خوشنویسی:
۲۵	۳_ نقاشی مینیاتور:
۲۵	۴_ موسیقی:
۲۶	فصل پنجم: تاثیر تمدن اسلامی بر غرب
۲۶	ویژگی‌های پرنگ غربیان در قرون وسطا:
۲۶	الف) بی‌عدالتی ساختاری و نظام طبقاتی:
۲۶	ب) خرافه گرایی و علم گریزی:
۲۶	ج) خشونت و جنایت گسترده:
۲۷	چگونگی اثرگذاری فرهنگ و تمدن اسلامی:



۲۷	گستره‌ی اثرگذاری تمدن اسلامی بر غرب:
۲۸	فصل ششم: بازنمایی رکود و انحطاط تمدنی در جهان اسلام.....
۲۸	الف) عوامل درونی:
۳۰	ب) عوامل بیرونی:
۳۰	علل سقوط اندلس:
۳۱	استعمار در جوامع اسلامی:
۳۲	درس هفتم: جهان اسلام در دوران معاصر.....
۳۲	الف) ظرفیت های موجود در جهان اسلام:
۳۲	۱_ سرمایه فرهنگی جهان اسلام:
۳۲	۲_ موقعیت ژئopolitic کشورهای اسلامی:
۳۳	۳_ منابع طبیعی کشورهای اسلامی:
۳۳	۴_ منابع انسانی کشورهای اسلامی:
۳۳	ب) احیا و باز تولید تمدن اسلامی:
۳۳	تمدن نوین اسلامی:
۳۴	بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی:
۳۴	نتایج بیانیه:
۳۵	الزامات امور دانشگاهیان برای تمدن سازی:



فصل اول: مباحث پایه

تاریخ:

واژه تاریخ دارای دو معنای شایع است نخست پدیده تاریخی که در بستری از زمان وقوع یافته و به عنوان یک رویداد یا واقعه شناخته می‌شود و دوم تاریخ به مثابه یک علم و شاخه دانشی که معنایی مجزا از مورد نخست دارد. تاریخ عبارت از رویدادها و رویداد شناسی است. تاریخ شناسان برای علم تاریخ تعاریف متعددی بیان نموده اند:

مطالعه و بررسی روزگاران گذشته

آشکار سازی احوال انبیا و حوادث بزرگ مانند جنگها و فتوحات بر حسب زمان
اندیشه و تحقیق درباره وقایع و مبادی آنها و پژوهش برای یافتن علت آنها.

فرهنگ:

واژه فرهنگ پیشینه‌ای دارد که فرایند شکل گیری معنای اصطلاحی امروز آن را مشخص می‌کند. این واژه در ادبیات فارسی به عنوان یک اصطلاح ترکیبی از پیشوند فر به معنای شان و شوکت و هماهنگ با ریشه اوستایی به معنای کشیدن و موج است پس از واژه ترکیبی فرهنگ به معنای پیش کشیدن رفعت و شکوه نمایی است.

برخی تعاریف ارایه شده در باب فرهنگ از سوی متفکران ایران:

زندگی عقلانی

وجه معنوی تمدن

خلقيات و ذاتيات يك جامعه و بومي يك ملت

كلی ترین بینش و نگرش يك جامعه به جهان

ویژگی زندگی انسان یا جنبه‌های جدا کننده انسان از حیوان.

تعاریف در غرب:

مجموعه‌ای از شناخت باور، هنر، اخلاقیات، قانون، سنت، ظرفیت‌ها و عادات که فرد به عنوان عضوی از جامعه کسب می‌کند.



در حقیقت فرهنگ را باید حقیقت ای روحی و گستردگی در تمام ابعاد حیات انسان دانست که جامع کنش‌های قاعده‌مند درونی و بیرونی انسان است.

بر اساس این فرهنگ را می‌توان چنین تعریف کرد: کیفیت حیات موجود یا مطلوب انسان.

احزاب تشکیل دهنده‌ی فرهنگ:

نظام باورها و نگرش‌ها

نظام ارزش‌ها و گرایش‌ها

نظام رفتارها و آداب و رسوم

نظام نمادها

تاریخ و فرهنگ هر دو به انسان و حیات انسانی و کنشگری فرد و جامعه بشری مربوط است و تاریخ و فرهنگ به کنش‌های ارادی انسان می‌پردازند در واقع تاریخ عرصه ظهور و بروز فرهنگ‌ها در سراسر جامعه بشری است.

عمده مسائل فرهنگی:

نهادها: خانواده، مدرسه، دانشگاه

محصولات: کتاب، روزنامه

هنر و رسانه: رادیو و تلویزیون، فضای مجازی.

تمدن:

تمدن معانی مختلفی دارد و اصلی ترین معنایی که عموم محققان به آن توجه دارند شهرنشینی و اقامت در شهر است بنابراین تمدن یا مدنیت مفهومی در برابر بدويت است. در اصطلاح تمدن چند عنصر محوری نقش دارند:

انسان که تمدن وابسته به آن است، حیات جمعی و گروهی انسان که یک اجتماع را پدید می‌آورد و عناصری که نمود و بروز این تحیاتی جمعی را به تصویر می‌کشند. بنابراین در نگاهی کلی می‌توان گفت تمدن نموده حیات جمعی بشر است. بر اساس این تعریف تمدن در پایه زندگی انسان شکل می‌گیرد و گروه‌های حیوانی و گیاهی و حتی موجودات فرامادی را شامل نمی‌گردد همچنین به ابعاد بارز و آشکار حیات انسان توجه دارد. که قابل بررسی و مصدق یابی عینی است. تمدن انفرادی نیست و بعد اجتماعی دارد.



تمدن نیازمند وضعیت و بستری مناسب است که تولد و رشد عناصر تمدن را در آن فضا امکان پذیر گرداند.

عناصر پیدایش تمدن:

انسان:

رکن اصلی شکل گیری یک تمدن انسان است البته انسان انفرادی تمدن ساز نخواهد بود بلکه هسته و توده ای انسانی حرکتی اجتماعی را سامان داده و یک تمدن را بنا می کند.

فرهنگ:

فرهنگ به مثابه نرم افزار شتاب دهنده و آسیب زدایی در مسیر پیدایش تمدن عمل میکند. در واقع سبک اندیشه و زندگی یک جامعه در زایش تعیین کننده است.

دین:

دین و فرهنگ دو عامل متداخل شناخته شده و با عناصر همپوشان خود نقش تمدنی ایفا می کنند زیرا گاهی ایندو همچون یک عامل و گاهی به صورت مجزا یا معارض با یکدیگر موثر می شوند.

جغرافیا:

عامل چهارم که آن را عامل مادی و طبیعی نیز شمرده‌اند جغرافیا اقلیم و سرزمین است که در واقع زمینه شکل گیری یک تمدن دانسته می شود. این عامل در واقع روشنگر مسئله نیاز است خاستگاه بسیاری از اقدامات تمدن‌های بشری در طول تاریخ بوده است.

عوامل مانایی و اعتلای تمدن:

امنیت، جهانگردی، نظام مندی و ساختارمندی، تسامح درونی، همبستگی و یکپارچگی، اخلاق مداری و قانون مداری، رفاه نسبی و فشار محدود اقتصادی.

عوامل انحطاط و افول تمدن:

ظلم و تبعیض و بی عدالتی

تجمل گرایی، اشرافی گری و رفاه زدگی

ضعف قوای نظامی

ركود علمی



تزلزل نهاد خانواده.

اضلاع تمدن:

مجموعه فراگیری که تعاریف پیش‌گفته هر کدام به گونه‌ای از آن حکایت دارد در بستر شهر و سرزمین بروز یافته و در قالبی بر محور انسان به صورت مشهود و ملموس شکل می‌گیرد که از آن به اضلاع یا اجزای تمدن تعبیر می‌شود. این اضلاع در واقع شاخص‌هایی هستند که با سنجش آنها میزان رشد و افول یک تمدن در مقایسه با تمدن‌های دیگر سنجیده می‌شود.

اضلاع تمدن در نگاهی گسترده:

سازمان سیاسی، قانون، دین، اقتصاد و صنعت، علم، هنر، شهرسازی و معماری، قوای نظامی ادبیات.

رابطه فرهنگ و تمدن:

عام و خاص: تمدن عام و فرهنگ خاص

تباین: دو مفهوم متمایز

ترادف: دو مفهوم یکسان

بود و نمود: تمدن نمود فرهنگ

تجدد:

واژه دیگری که گاه در کنار تمدن به کار می‌رود تجدد است که این واژه به معنای نو شدن است. تجدد نوعی نظم اجتماعی جدید یا فرهنگ جدیدی است که پس از سپری شدن یک دوره تمدنی جامعه سنتی پدید آمده است. در کنار این واژه امروزه واژه مدرنیته و مدرنیسم نیز مطرح می‌شود. مدرنیته در دوره‌های تاریخی است که پس از قرون وسطا ظهور نموده و ویژگی‌های متعددی دارد:

سرمایه داری،

اعتقاد به قانون گذاری توسط عقل بشری و حاکمیت خودبنیاد بشر،

اومانیسم و بشرانگاری به عنوان ویژگی عصر مدرن.

بعثت نبوی و تولد فرهنگ اسلامی:

فرهنگ جدید اسلامی چند ویژگی مهم داشت:



www.ostadaneh.com

info@ostadaneh.com

Kerman, Iran

استادانه - همانند یک استاد یاد بگیرید!

به صورت عمده در تعارض با فرهنگ عمومی جامعه عصر نزول شناخته می شد. باورها و رفتارهای فراوانی از مردمان عرب حجاز توسط قرآن و شخص پیامبر به نقد کشیده شد و بر لزوم انطباق باورها و رفتارها با فرهنگ معیار تاکید شد،

این فرهنگ نه به صورت یکجا بلکه به تدریج و در یک فرآیند به جامعه و جهان بشری عرضه گردید و بسیاری از آموزه های وحیانی به صورت واکنشی در برابر کنش های ضد ارزشی افراد جامعه منتقل گردید،

سازه ذاتی و نخستین فرهنگ وحی است که در قالب قرآن به بشر عرضه شد. این محتوا مخاطب خود را عموم ملل جهان دانسته و پیام های خود را در خطاب به جامعه بشری با لفظ انسان و خطاب به جامعه ایمانی با لفظ مونم بیان فرموده است.

هجرت نبوی و تولد تمدن اسلامی: نخستین هسته تمدنی در میان جماعت مسلمانان با هجرت رسول خدا در سال سیزدهم بعثت شکل گرفت. رسول خدا در شهری که بسیاری از مردمانش با پیمان اطاعت بسته بودند حیات تمدنی و شهر آیینی مسلمانان را رقم زد. در این مرحله هم محتوای وحی الهی بعد نظام سازی و تقنینی یافت و هم اقدامات نبوی بعد اجتماعی پیدا کرد. بنابراین نخستین تمدن اسلامی به رهبری رسول خدا در شرایطی کاملاً خاص ایجاد گردید.

فرآیند پیدایش تمدن اسلامی:

ارائه فرهنگ وحیانی

ابلاغ عمومی پیام فرهنگی

همراهی جماعت شهری

هجرت به بستر جدید شهری

ایجاد نهادهای مدنی

شكل دهی ارتباطات فرهنگی تمدنی

تمدن اسلامی مدینه الرسول.

ارکان محوری تمدن اسلامی:

فرهنگ اسلامی

پیشوایان اسلامی

امت اسلامی



سرزمین های اسلامی.

ادوار تمدن اسلامی:

شکل گیری تمدن اسلامی در مفهوم کلان خود بیش از دو قرن به طول انجامید. از اوایل قرن سوم پدیده تمدن اسلامی رو به پیشرفت حرکت کرد. قرن ۴ تا اوایل قرن ۷ اوج تمدن اسلامی بود، قرن ۷ تا قرن ۱۰ رکود و توقف بود، قرن ۱۰ تا ۱۲ دوران تجدید بود، قرن ۱۳ و ۱۴ دوران انحطاط بود و قرن ۱۴ عصر بازگشت.

استادانه رات کم - همانند یک استاد یاد بگیرید



فصل دوم: شکوفایی تمدن اسلامی

با نقش بی نظیر رسول خدا در بستر سازی و پایه ریزی هسته مرکزی تمدن اسلامی در مدینه النبی این روند به صورت یک جریان پیوسته مسیر تمدن ساز خود را در پیش گرفت و بر مبنای داشته های درونی خود و دستاوردهای بیرونی توانست در مدت زمانی اندک جهان را تحت تاثیر خود قرار دهد و پس از چند سده به تمدن تراز جهانی در ابعاد مختلف اجتماعی به ویژه علمی بدل گردد.

ویژگی های تمدن ساز فرهنگ اسلامی:

فرهنگ اسلامی مهمترین عاملی است که شکوفایی تمدن اسلامی را رقم زده و به عنوان فرهنگ معیار از دو مؤلفه اصلی قرآن و اهل بیت تشکیل شده است همچنان که رسول خدا آن دو را جدایی ناپذیر اعلام کرده و تمسک به آنها را عامل رهایی از ضلالت و گمراهی به عنوان ضد ارزش در این فرهنگ معرفی می نماید.

۱_ معنویت گرایی:

مهمترین مؤلفه در فرهنگ ادیان الهی به صورت عام و در دین اسلام به صورت خاص توجه به معنویت برپایه توحید و خداباوری است که بر تمام ابعاد زندگی انسان اثر گذار است. معنویت ناظر به باور ارتباط روحی و قلبی انسان مسلمان با خدا و اولیای الهی و نیز تعهد و مسئولیت پذیری وی نسبت به حیات جاودان اخروی تعریف می شود. پیش از هر عامل فرهنگ ساز دیگری مانند قانون معنویت و باور قلی انسان به خدا در بعد اجتماعی و سرزمینی می تواند هنجار مندی به دنبال بیاورد. معنویت از منظر فرهنگ تمدنی یعنی باور قلبی و روحی آحاد یک جامعه به ارزش‌های فرامادی غیبی اعم از توحید و معاد و شکل دهی حیات اجتماعی بر اساس این باور.

معنویت در فرهنگ اسلامی در قالب ها و هنجارهای گوناگونی نمود یافته است مانند:

لزوم تصفیه عمل و اخلاص در انگیزه و نیت برای هر کار مثبت،
تاكيد بر فراوانی ياد خدا و آموزش و ترويج دعاها و اذكار آن،
توجه دادن به پاداش ها و مجازات های اخروی ذيل آموزه معاد.

۲_ وحدت گرایی:

آموزه توحید در بعد اجتماعی در موضوع وحدت و همبستگی اجتماعی قابل پیگیری است. آموزه های توحیدی فرهنگ اسلامی مسلمانان را به دوری از تفرقه فرا می خواند و قرآن به مسلمانان چنین می فرماید که همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید. وحدت در میان مسلمانان در سایه اطاعت از دستورات خداوند شکل می گیرد و مشخص می گردد که هر اختلافی در جامعه ناشی از نافرمانی از خداوند است. رویکرد وحدت

